

نگاهی به قطعنامه‌های اول ماه مه در ایران!

بهرام رحمانی

bamdadpress@telia.com

اول ماه مه امسال در ایران، در حال و هوای سیاسی بسیار متفاوتی نسبت به سال‌های قبل برگزار شد. رژیم جمهوری اسلامی سعی کرد در فضایی کاملاً پلیسی از طریق خانه کارگر، کارگران را خلع سلاح نماید و بار دیگر با تهی ساختن محتوای سیاسی این روز تاریخی، آن‌ها را به پشت سیاست‌های ضد کارگری خود به نماز جمعه‌ها بکشاند. همان‌طور که در خبرها نیز آمده است بخش عظیمی از کارگران بدون توجه به چنین سیاستی در مقابل سردمداران خانه کارگر ایستادند و مطالبات اقتصادی و اجتماعی خود را مطرح کردند و به نماز جمعه‌ها نرفتند.

بخش دیگری از کارگران، در شهرهای مختلف مراسم‌های مستقل و متنوع خود را برگزار کردند. نمونه شاخص آن تظاهرات علنی کارگران شهر سقز است که مورد یورش سرمایه و نیروهای سرکوبگر رژیم قرار گرفت که جزییات مبارزه دستگیرشدگان و کمپین سیاسی، اجتماعی وسیعی که در داخل و خارج از کشور در دفاع از آزادی بی قید و شرط آن‌ها پیش رفت را مطلع هستید، نمونه‌ای درخشان که افق و تاریخ دیگری در پیش پای جامعه و طبقه کارگر گشود. البته نباید فراموش کرد که فعالین جنبش کارگری کمونیستی در هر شرایطی زیر نظر سرمایه‌داران و دولت‌هایشان قرار می‌گیرند. در حاکمیت رژیم‌های دیکتاتوری مانند رژیم جمهوری اسلامی، زندان، شکنجه، اعدام و حتا ترور در انتظار مخالفین و به ویژه فعالین جنبش کارگری است. با این وجود فعالین جنبش کارگری کمونیستی، آگاهانه و آزادانه قدم در راهی می‌گذارند که از پیش می‌دانند که حرکت سیاسی آن‌ها با خشم و کینه وحشیانه سرمایه‌داران و رژیم‌شان مواجه خواهد شد، بهای سنگینی پرداخت خواهند کرد. آنان با عشق به زندگی و در احترام به حرمت و موجودیت انسان، این بهای سنگین را به جان می‌خرند و برای رهایی بشریت از ستم و استثمار بورژوازی از جان و مال و زندگی‌شان مایه می‌گذارند تا جهان آزاد و برابر انسانی ساخته شود. طبقه کارگر بیش از ۲۰۰ سال است که برای چنین جامعه‌ای مبارزه می‌کند؛ به ویژه از دوران انترناسیونال اول، با اتکا به سوسیالیسم علمی، یعنی این علم رهایی بشر، به طور پیگیر و هدف‌مند بر علیه هرگونه یوغ و ستم سرمایه‌داری مبارزه می‌کند. گرایش کمونیستی طبقه کارگر، جامعه‌ای را می‌خواهد که در آن، هیچ انسانی دیگر را استثمار نکند و همه شهروندان آن بدون در نظر گرفتن ملیت، جنسیت و عقیده از آخرین دستاوردهای بشری، به طور یک‌سان و برابر

برخوردار گردند!

البته در درون جنبش کارگری گرایش‌های دیگری نیز فعالند، از جمله گرایش سندیکالیستی. سندیکالیست‌ها، نه برای سرنگونی سیستم سرمایه‌داری، بلکه برای سازمان دادن این که چگونه کارگران در چارچوب سیستم سرمایه‌داری نیروی کار خود را معقولانه بفروشند، فعالیت می‌کنند. اکنون، پس از گذشت حداقل ۱۵۰ سال از فعالیت سندیکالیستی، عملاً می‌توان نشان داد که حتی این سندیکاهای، به طور جدی برای افزایش دستمزد نیز مبارزه نمی‌کنند. همچنین گرایش سندیکالیستی منافع کل طبقه کارگر را در نظر نمی‌گیرد. اساساً کارگران بی‌کار را که میلیونی است به عنوان بخشی از طبقه کارگر در تشکلهای خود سهمیم نمی‌کند و به نوعی رقابت، از جمله رقابت بین کارگران شاغل و بی‌کار، داخلی و خارجی را دامن می‌زنند.

اما، گرایش کمونیستی طبقه کارگر از یک سو، به طور روزمره برای بهتر شدن وضعیت اقتصادی و اجتماعی کارگران مبارزه می‌کند و از سوی دیگر برای سرنگونی سیستم سرمایه‌داری و برپایی جامعه اشتراکی آزاد و برابر و انسانی، پیگیرانه و هدف‌مند می‌کوشد. این گرایش، در هر حالت منافع کل طبقه کارگر را در نظر می‌گیرد و پرچم «کارگران جهان متحد شوید!» را برافراشته است.

اگر با این جهت‌گیری به سراغ نقد و بررسی دو قطعنامه متفاوتی که در اول ماه مه در ایران به تصویب رسیده است برویم، با دو گرایش متفاوت، یعنی گرایش سندیکالیستی و کمونیستی روبه‌رو می‌شویم.

قطعنامه اول

قطعنامه‌ای که در تاریخ اول ماه مه ۲۰۰۴ - ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۳، به نام «شورای کارگران برگزارکننده مراسم اول ماه مه» (تهران - رشت - سقز - بوکان - مریوان - بانه) تنظیم و منتشر شده است، با صراحت از یک‌سو علیه سیستم سرمایه‌داری موضع طبقاتی گرفته است و از سوی دیگر مطالبات روشنی را در پیش پای مبارزات روزمره طبقه کارگر ایران قرار داده است که به لحاظ تاریخی و موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران، سند مهمی محسوب می‌شود. در بخشی از مقدمه این قطعنامه چنین آمده است: «... با توجه به وضعیت کنونی کارگران در ایران، ما شعار محوری مراسم اول ماه مه امسال را به جهت اهمیت آن برای زندگی و معیشت کارگران «مبارزه سراسری با اخراج و بی‌کارسازی» قرار داده‌ایم. ما معتقدیم کشتار شهر بابک اولین و آخرین یورش عوامل سرمایه‌به هم طبقه‌ای‌هایمان نبوده و نخواهد بود. در عین حال، ما کارگران دریافته‌ایم که مقاومت در مقابل یورش سرمایه‌تنها و تنها در سایه سازمان‌دهی سراسری و ضدسرمایه‌داری جنبش کارگری امکان‌پذیر

است. ما معتقدیم در نبود این سازمان‌دهی، سرمایه همواره و بی‌امان ضربات وحشیانه خود را بر پیکر طبقه فرود می‌آورد. افزون بر این، ما در عین آن که خود را متعهد و ملزم می‌دانیم که در صف مقدم مبارزه برای خواست‌ها و مطالبات روزمره کارگران قرار گیریم، بر این باوریم که رهایی نهایی طبقه کارگر از سیه‌روزی و نکبتی که نظام سرمایه‌داری به طبقه کارگر تحمیل کرده است در گرو مبارزه برای لغو کار مزدی است». در زیر این قطعنامه ۲۳ بند خواسته و مطالبات کارگران فرموله شده است که همه آن‌ها مسایل حیاتی و ضروری در موقعیت کنونی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه ایران هستند. هر درجه از این مطالبات بر سرمایه‌داران و رژیم‌شان تحمیل شود به همان نسبت زیست و زندگی کارگران بهبود می‌یابد و از سوی دیگر سرمایه و رژیم‌شان جرات نمی‌کنند کارگران معترض را مورد هجوم و استثمار وحشیانه قرار دهند. مطالباتی از قبیل تعطیل رسمی اول ماه مه و برگزاری روز جهانی کارگر بدون کسب مجوز و بدون کنترل و مزاحمت پلیس؛ کارگران هر سال در ساعت ده صبح روز ۴ بهمن، به یاد کارگران جان‌باخته شهر بابک به مدت ۵ دقیقه دست از کار بکشند؛ مقاومت متحدانه کارگران در برابر اخراج و خواستار اشتغال دایم و امنیت شغلی؛ لغو فوری کلیه قوانین ضدکارگری موجود از جمله قراردادی موقت کار، قانونی کردن اخراج به بهانه «نوسازی صنایع»، خارج کردن کارگاه‌های زیر ده نفر از شمول قانون کار و تامین اجتماعی؛ تعیین و تدوین قانون کار با دخالت تشکلهای کارگری و نمایندگان منتخب کارگران؛ تعیین دستمزد بر مبنای یک زندگی شرافتمندانه و انسانی؛ پرداخت حقوق معوقه کارگران یک‌جا و فوری همراه با خسارت؛ کاهش ساعت کار؛ تامین بی‌کاری مکفی و متناسب با سطح زندگی انسانی به کلیه افراد بی‌کار؛ حمایت کارگران شاغل از کارگران بی‌کار؛ تامین زندگی کارگران بازنشسته و خانواده هایشان؛ برخورداری همه شهروندان جامعه اعم از ایرانی و غیرایرانی و شاغل و بی‌کار از بیمه خدمات درمانی رایگان؛ تامین زندگی شایسته انسانی برای کودکان فارغ از تعلقات خانوادگی و کشوری و توقف کار آنان؛ رفع تبعیض از زنان و برخورداری آنان از دستمزد و مزایای برابر در ازای کار برابر با مردان و همچنین لغو آپارتاید جنسی و برابری کامل حقوق زنان با مردان در تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی؛ حمایت از مطالبات معلمان؛ تامین حقوق سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کارگران مهاجر؛ ایجاد تشکلهای کارگری، آزادی اعتصاب، تجمع، راه‌پیمایی، آزادی بی‌قید و شرط اندیشه و بیان و مطبوعات؛ آزادی کلیه زندانیان سیاسی؛ برپایی مجامع عمومی کارگری در کلیه مراکز تولیدی و خدماتی در چارچوب ساعات کار در محل کار؛ کنترل کارگری در کارخانه‌هایی که به بهانه بحران ورشکستگی کارگران را اخراج می‌کنند؛ ایجاد تشکل مستقل ضدسرمایه‌داری و در حال حاضر نطفه چنین تشکیلاتی می‌تواند از طریق سازمان‌دهی نطفه‌های شوراهای مستقل ضدسرمایه‌داری ایجاد شود؛

ابراز همدردی با مردم افغانستان و عراق و محکوم کردن جنگ اخیر آمریکا علیه مردم این کشورها و در بند ۲۳، ضمن حمایت از مبارزات کارگران کشورهای مختلف، کارگران جهان را به ایجاد انترناسیونال کارگری فرا خوانده‌اند». این قطعنامه در حالی که به مبارزه روزمره کارگران برای دست‌یابی به مطالبات‌شان تاکید دارد، در عین حال عمیقا جوهر انسانی- طبقاتی ضد سرمایه‌داری و انترناسیونالیستی را در آن برجسته است. همچنین تنظیم‌کنندگان این قطعنامه، از دید مصالح و منافع کل طبقه کارگران حرکت کرده‌اند.

قطعنامه دوم

این قطعنامه که به نام «هیات موسسان سندیکاهاى کارگری»، در تاریخ ۱۲/۲/۱۳۸۳، منتشر شده است، در مقدمه خود چنین می‌نویسد: «روز جهانی کارگر را در شرایطی برگزار می‌کنیم که پس از قریب ۲۵ سال از پیروزی انقلاب و سرنگونی رژیم استبدادی پهلوی هنوز مشارکت کارگران و زحمتکشان در زندگی اجتماعی- اقتصادی‌شان فراهم نگردیده است. طی هفت دوره انتخابات پارلمانی، کارگران و زحمتکشان نتوانسته‌اند حتی برای یک بار هم نمایندگان واقعی از میان خود انتخاب کرده و به مجالس قانون‌گذاری بفرستند و متأسفانه هر چه می‌گذرد امکان تامین مشارکت واقعی کارگران در پیشبرد شعارهای عدالت خواهانه و آزادی خواهانه و آرمان‌های انقلاب و برقراری توسعه پایدار در کشور عزیزمان ایران از دست می‌رود. دولت جمهوری اسلامی علی‌رغم پذیرش مقاله‌نامه‌های سازمان جهانی کار در رابطه با حق و آزادی تشکل‌های اتحادیه‌ای کارگران، هنوز نتوانسته و یا نخواسته است موانع قانونی موجود بر سر راه تشکیل سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری را از میان بردارد... ما، امروز در بزرگداشت روز جهانی کارگر اعلام می‌داریم که خواسته‌هایمان همانا حقوقی است که در اعلامیه حقوق بشر، منشور جهانی سندیکایی، مقاله‌نامه‌های و میثاق‌های بین‌المللی بر آن صحنه گذاشته شده است و در قوانین اساسی و کار جمهوری اسلامی ایران نیز بخش‌هایی از آن رسمیت یافته است. بر همین اساس ما خواستار احقاق حقوق حقه و انسانی خود که کرارا در قطعنامه‌های کارگری بر آن تاکید شده است... در زیر این قطعنامه ۱۵ مطالبه درج شده است که بخش اعظم آن‌ها به رفع موانع حقوقی توسط رژیم اشاره دارد و پاره‌ای از مطالبات روزمره کارگران نیز در آن دیده می‌شود». در پایان این قطعنامه تاکید شده است: «ما ضمن اعلام بی‌زاری و مخالفت با سیاست‌های ضد مردمی، خواهان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دولت در پیش‌برد توسعه پایدار و عدالت خواه و استقلال طلبانه هستیم».

اگر این دو قطعنامه را به طور اجمالی مقایسه کنیم، به دو سیاست و جهت‌گیری کاملاً متفاوت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌رسیم. قطعنامه اول، علی‌العموم از کارگران می‌خواهد که

به نیروی متحد و متشکل خود و تشکل‌های مستقل ضد سرمایه‌داری‌شان اتکا کنند و علاوه بر مبارزه روزمره برای دست‌یابی به مطالبات اقتصادی و اجتماعی، در عین حال لغو کار مزدی و مالکیت خصوصی را در افق و چشم‌انداز مبارزه خود قرار دهند.

اما قطعنامه دوم، از کارگران می‌خواهد که برای رسیدن به مطالبات خود، به دست‌بالایی‌ها، یعنی «قانون»، «دولت» و «سازمان بین‌المللی کار»، چشم بدوزند. شایان ذکر است که چنین سیاستی یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین بنیادهای فکری سندیکالیست‌ها در جهان را شامل می‌شود. در افکار تنظیم‌کنندگان این قطعنامه، مبارزه از پایین و تقابل کار و سرمایه و مبارزه طبقاتی معنی ندارد. سندیکالیست‌های ما، پس از ۲۵ سال حاکمیت خونین جمهوری بورژوا اسلامی، در ظلمت و تاریکی با فانوس دنبال «قوانین خوب و کارگری» جمهوری اسلامی می‌گردند. همچنین از این رژیم ضدکارگر گلایه‌مندند که چرا زمینه راه یافتن نمایندگان کارگران به مجلس ارتجاع را فراهم نکرده است. چرا توسعه پایدار به وجود نیاورده است؟ در یک کلام تنظیم‌کنندگان این قطعنامه، قوانین بازی «قانون‌گرایی» و «دفاع از حقوق کارگران» در چارچوب سیستم بورژوازی را به خوبی رعایت کرده‌اند. اگر سایت‌های اینترنتی را دور بزنید خواهید دید که برخی سایت‌ها قطعنامه اول و برخی قطعنامه دوم را درج کرده‌اند. از این‌رو واضح است که چنین انتخابی تصادفی نبوده و مستقیماً با سیاست‌های طبقاتی این جریان‌ها و سایت‌ها انطباق دارد.

علاوه بر تمایز و تفاوت سیاسی و طبقاتی این قطعنامه‌ها، همچنین این دو گرایش نسبت به واقعه سقز، بی‌تفاوت ماندند. در کمپین وسیعی که برای آزادی بی‌قید و شرط دستگیرشدگان اول ماه مه سقز در داخل و خارج کشور راه افتاد، گرایش سندیکالیستی، چشم و گوش خود را بر این واقعیت سیاسی و تاریخی بست و در بهترین حالت به نوشتن نامه‌های حقوقی و بی‌خطر به کنفدراسیون سندیکاهای بین‌المللی بسنده کرد. حتی در برخی موارد دیگران را نیز از دست زدن به یک حرکت سیاسی از پایین با افشای چهره کریه رژیم جمهوری اسلامی، دفاع از جنبش کارگری و در بطن این مبارزه تلاش برای آزادی بی‌قید و شرط همه دستگیرشدگان منع کرد و همان آلترناتیو حقوقی سندیکایی را توصیه نمود.

در داخل کشور، سندیکالیست‌هایی که برای برپایی تشکل‌های «مستقل» سندیکایی به اداره کار رژیم و سازمان بین‌المللی کار نامه ارسال می‌کردند و در روزنامه‌های پرتیراژ نیز مطلب می‌نوشتند، دست‌اندرکار قطعنامه «هیات موسسان سندیکاهای کارگری»، اول ماه مه ۸۳ نیز بودند، در رابطه با واقعه مهم طبقاتی اول ماه مه سقز، سکوت کردند و لام تا کام سخنی نگفتند. در حالی که این‌ها امکانات وسیعی، از جمله دسترسی به رسانه‌های گروهی پرتیراژ در ایران دارند. به تبعیت از این گرایش در

خارج کشور نیز سندیکالیست‌ها در رابطه با واقعه اول ماه سقز، عکس‌العمل جدی از خود نشان دادند. به ویژه آن بخش از سندیکالیست‌هایی که به طیف فرمیست و توده‌ای - اکثریتی نزدیک‌ترند حتی کوچک‌ترین اقدامی برای آزادی دستگیرشدگان سقز نکردند. گرایش‌ها راست از جمهوری خواهان سکولار تا ملی و از سخن‌گویان این طیف تا سلطنت‌طلبان و مشروطه خواهان، در رسانه‌هایشان نیز خبر وحشیگری جمهوری اسلامی در سقز و دستگیری کارگران را چندان انعکاس ندادند. گویا کارگران در افکار این عالی‌جنابان، «بشر» نیستند. لازم به تأکید است که هیچ انسان آزادی‌خواه و برابری‌طلب، نباید کوچک‌ترین چشم‌داشتی از طیف راست اپوزیسیون آن هم، دفاع از حقوق انسانی و اجتماعی و سیاسی کارگران داشته باشد. بورژوازی، در هر لباس و قماش طبقه کارگر آگاه و متشکل را دشمن خود قلمداد می‌کند و از رشد و پیشروی جنبش طبقاتی کارگران به وحشت می‌افتد. دلیل تأکید ما در این جا نه توهم و انتظار از این‌ها، بلکه نشان دادن تزویر و ریاکاری این شخصیت‌ها و جریاناتی است که که ظاهراً برای «دفاع از حقوق بشر» هیاهو راه می‌اندازند.

اکنون در مقابل ما کارگران پیشرو، رادیکال و کمونیست، احزاب، سازمان‌ها، نهادها و رسانه‌هایی که در حد توان و امکانات خود، از جنبش کارگری کمونیستی دفاع می‌کنند، اولویت سیاسی - تشکیلاتی خود را در جهت تقویت و سازمان‌دهی گرایش ضد سرمایه‌داری طبقه کارگر که اکنون آشکارتر از گذشته به مصاف بورژوازی رفته است و قطعنامه خود را نیز در اول ماه مه امسال به تصویب رسانده است، قرار دهیم. برای پراتیک کردن مواد این قطعنامه، گرایش ضد سرمایه‌داری طبقه کارگر ایران را متحد کنیم و در داخل و خارج کشور یک قطب قوی و اجتماعی به وجود آوریم که ابزارهای ماکرو مانند رادیو، سایت اینترنتی، نشریه، سمینارهای راه‌گشای کارگری برگزار کنیم. سیاست‌های گرایش‌مان را که در داخل ایران، در فضای پلیسی نمی‌تواند صریح‌تر و روشن‌تر تبلیغ و ترویج کند، در خارج کشور، رساتر، بلندتر و بی‌پروا تر بیان کنیم و حول آن جنبش اجتماعی به وجود آوریم. همچنین در خارج کشور، در جهت رشد و گسترش انترناسیونالیسم پرولتری، گام‌های عملی و جدی برداریم و صرفاً خود را به امضا گرفتن از رهبری اتحادیه‌ها در دفاع از کارگران ایران محدود نسازیم و از پایین با توده‌های کارگر و با نهادها و محافل کمونیستی کارگران ارتباط مستقیم و متقابل برقرار کنیم. در چنین روندی است که فاصله داخل و خارج نیز در عمل کم‌تر و کم‌تر و به عنوان یک جنبش طبقاتی ضد سرمایه‌داری که ریشه آن در داخل کشور و شاخه‌های آن در کشورهای مختلف پراکنده‌اند، اما جنس کارشان یکی است سازمان داده‌ایم، یعنی رشد و گسترش و تعمیق مبارزه طبقاتی علیه کل سیستم کاپیتالیستی در جهان!

بدین ترتیب چشم‌انداز ما، برای اول ماه سال آینده، اصولاً باید این باشد که کارگران ایران، تشکل

ضد سرمایه‌داری خود را برپا دارند و مبارزه خود را سراسری کنند. به ویژه با سازمان‌دهی میلیون‌ها جوان بی‌کار در این تشکله‌ها، نشریات، سمینارها و آکسیون‌های مستقل خود را داشته باشند تا از این طریق زمینه‌های تعرض همه‌جانبه طبقاتی علیه سرمایه و رژیم‌شان را فراهم سازند.

۱۹ مه ۲۰۰۴

برگرفته از جهان امروز شماره ۱۲۹